

The Relation Between Economic Liberalization and Security Stabilization in the Chinese Government

Farzin Rahimi Zonouz * 

PhD Student, Department of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Shahrooz Shariati ** 

Associate Professor, Department of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract



China's government has started the process of economic liberalization since the late 1970s with its own unique pattern. In less than half a century, China economy has gained significant growth. The liberalization also has gradually eliminated poverty in China significantly and has improved the quality of Chinese citizens' lives. This paper examines the impact of policies based on economic liberalization model in the Chinese government and seeks to study the relationship between economic liberalization and national security in China through a policy-driven research process. This article, examines some of the most influential economic, political, military, and environmental indicators of the Chinese government over the past few decades. From this point of view, as this article shows for the past half century, with the exception of the "environmental and climatic security", China Government has been able to improve and stabilize other Chinese national security indicators. The paper also emphasizes that the Chinese model can be replicated by less developed countries.

Keywords: Government, Economic Liberalization, National Security, China, Environment

* (Farzinrahimizonouz@modares.ac.ir)

** (Shariati@modares.ac.ir) Corresponding Author

نسبت‌سنجی آزادسازی اقتصادی و پایداری امنیت در دولت چین

فرزین رحیمی زنونز*  دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
شهرروز شریعتی**  دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران نویسنده مسئول

چکیده

دولت چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی فرایند آزادسازی اقتصادی را با الگویی منحصر به خود آغاز کرد و در کمتر از نیم قرن، به رشد کم‌نظیری دست یافت. این آزادسازی همچنین به تدریج چهره فقر را به میزان قابل توجهی از این کشور زدود و شهروندان چینی را از کیفیت زندگی بهتری بهره‌مند ساخت. این مقاله تاثیر سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر مدل آزادسازی اقتصادی در دولت چین را بر پایداری شاخص‌های ثبات و امنیت در این کشور بررسی و می‌کوشد تا با رویکرد اقتصاد سیاسی با روش روندپژوهی مستند به داده‌های آماری، نسبت دو مقوله آزادسازی اقتصادی و امنیت ملی را در دولت چین مورد مطالعه قرار دهد و به برآوردی از میزان پایداری امنیتی دولت این کشور در صورت تداوم تقید به الگوی آزادسازی اقتصادی دست یابد. مقاله ضمن بررسی و پایش برخی شاخص‌های تاثیرگذار اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست‌محیطی دولت چین طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که اگرچه در خلال این روندها، دولت چین در مقطعی با چالش‌های جدید امنیتی در حوزه‌های مختلف مواجه شده است؛ با این همه، دولتمردان چین از رهگذر آزادسازی اقتصادی طی نیم قرن گذشته توانسته‌اند به جز در زمینه امنیت زیست‌محیطی، موفق به بهبود و پایداری سایر شاخص‌های امنیت ملی خود شوند. اهمیت این یافته در این نکته است که الگوی چین می‌تواند مورد توجه دولت‌ها در کشورهای کمتر توسعه یافته قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دولت، آزادسازی اقتصادی، امنیت ملی، چین، محیط زیست

آزادسازی اقتصادی در چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. به واسطه آزادسازی در اقتصاد چین، تولید ناخالص داخلی افزایش و شاخص فقر در این کشور به شدت کاهش یافت. افزایش ثروت به افزایش بودجه نظامی و در نتیجه افزایش توان دفاعی کشور انجامید. از طرفی به دلیل جذب سرمایه‌گذاری خارجی، روابط دیپلماتیک این کشور به‌طور روزافزونی گسترش یافت. در نتیجه به پشتوانه نیروی نظامی قدرتمند و روابط دوستانه با جامعه جهانی، امنیت این کشور در دستیابی به منابع انرژی نیز بهبود یافت. با این همه، آزادسازی اقتصادی در چین بی‌اشکال نیز نبوده است. از یک سو با رشد طبقه متوسط در این کشور، مطالبات دموکراتیک شهروندان ثبات سیاسی این کشور را تهدید می‌کند. از سوی دیگر به دلیل تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه پایدار، محیط زیست این کشور متحمل آسیب‌های جدی شده و امنیت جانی میلیون‌ها نفر را تحت‌الشعاع قرار داده است. به‌علاوه ضرورت تأمین سوخت و مواد اولیه برای کارخانجات این کشور به تشدید رقابت جهانی در جهت دسترسی به منابع انرژی و مواد اولیه منتهی شده است. همچنین چین در جستجوی بازار مصرف برای کالاهای خود تمامی قاره‌ها را درنوردیده و امروزه به اصلی‌ترین صادرکننده کالا به مقصد ایالات متحده تبدیل شده است. همین مسئله باعث شده است تا بازار کار در بسیاری از کشورهای جهان مختل شده و شهروندان این کشورها دولت‌های خود را مجاب به از سرگیری جنگ تعرفه‌ای در قبال واردات کالاهای چینی نمایند. با علم به مسائل فوق، پرسش اساسی این است که آزادسازی اقتصادی چه پیامدهایی برای امنیت ملی چین به همراه داشته است؟ به بیانی دیگر آیا سیاست‌های آزادسازی اقتصادی به رشد و پایدارسازی شاخص‌های امنیتی این کشور یاری رسانده و یا برعکس موجب تضعیف پایه‌های امنیتی این کشور چه در مقیاس داخلی و چه در عرصه خارجی شده است؟

نگارندگان بر این باورند که علی‌رغم برخی تبعات منفی آزادسازی اقتصادی در چین؛ در مجموع اتخاذ سیاست‌های آزادسازی موجب بهبود، پایدارسازی، ایجاد همبستگی بین شاخص‌های امنیت‌ساز و در نهایت ارتقای شاخص‌های امنیتی ملی این کشور شده است.

با مروری بر روند آزادسازی اقتصادی در چین می‌توان دریافت که رهبران این کشور، سعی بر آن داشتند از نگاه «امنیت کنترل‌بنیان»^۱ فاصله گرفته و هر چه بیشتر به دنبال دستیابی به «امنیت پایدار»^۲ در این کشور باشند. این مقاله می‌کوشد تا با روش‌شناسی اقتصاد سیاسی، از طریق روندپژوهی مستند به داده‌های آماری، ضمن مطالعه نسبت دو مقوله آزادسازی اقتصادی و امنیت ملی در چین، مخاطراتی که ثبات و امنیت این کشور را در خلال این روندها تهدید می‌کند شناسایی کند. در این خصوص، مطالعه منسجمی که رابطه آزادسازی اقتصادی را با امنیت چین مورد ارزیابی قرار دهد صورت نگرفته است. هر چند در برخی از آثار موجود، پیامدهای آزادسازی اقتصادی صرفاً بر امنیت اقتصادی (Zhengyi, 2004)، امنیت غذایی (Schwoob, 2018)، امنیت محیط زیست (Hu & Cheng, 2013) و یا امنیت انرژی (Odgaard & Delman, 2014;) (Leung, G. C. K., Li, R., & Low, M., 2013) مورد مطالعه قرار گرفته و یا به جایگاه رفیع دولت در این کشور اشاره شده است (پیرسلامی و فروتن، ۱۳۹۶)، اما هیچ‌یک از این پژوهش‌ها تأثیر آزادسازی اقتصادی را بر امنیت ملی چین در معنای وسیع آن برای این کشور بررسی نکرده‌اند. بر همین اساس، نوآوری این مقاله؛ شناسایی مولفه‌های امنیت ملی چین و بررسی همبستگی آزادسازی اقتصادی بر یکایک آنها و در نگاهی جامع‌تر، بررسی نسبت آزادسازی اقتصادی و چگونگی تحقق روند پایداری امنیت ملی در چین است. این پژوهش با روش‌شناسی اقتصاد سیاسی و روش «روندپژوهی» قوام یافته است. در قالب رویکرد روش‌شناختی، اقتصاد سیاسی خود به دو مقوله «انتخاب عمومی»^۳ که بر عقلانیت فردی تکیه دارد و رویکرد جامعه‌شناختی^۴ که در آن سطح تحلیل به سمت نهادها میل می‌کند، قابل تقسیم است (Weingast & Wittman, 2006: 3) و در مجموع، بیشتر روی مسائل و تحلیل‌هایی تمرکز دارد که به چگونگی نظم‌یابی و یا تحول یک ساخت اجتماعی می‌پردازد (Palan, 2000: 17).

-
1. Control-Base Security
 2. Sustainable Security
 3. Public Choice
 4. Sociological

پیشینه تحقیق

مطالعات گسترده‌ای حول آزادسازی اقتصادی در چین و رابطه آن با یک یا چند مولفه امنیت ملی این کشور به رشته تحریر درآمده است. برخی از این مطالعات با رویکردی کلی‌نگرانه، آزادسازی اقتصادی در چین را مورد تدقیق قرار داده و اشارات محدودی به رابطه بین توسعه اقتصادی و بهبود ثبات و امنیت در این کشور داشته‌اند. به‌عنوان مثال، برسلین (Breslin, 2007) رابطه بین پیکربندی داخلی قدرت در چین را در نسبت با پروسه جهانی‌شده تولید سنجیده و پیامدهای تعامل دوباره چین با اقتصاد جهانی را مورد واکاوی قرار داده است. در همین راستا، یانگ (Yang, 2004) رویکرد دولت چین در قبال نظام بازار و تصمیمات لازم در راستای گسترش آن را بررسی کرده و لائی (Lai, 2006) استراتژی‌های موفق چین در زمینه حل و فصل کشمکش رهبری حزب، اصلاحات اقتصادی هدایت شده و رشد سریع و پایدار اقتصاد این کشور برای یک ربع قرن را در راستای آزادسازی اقتصاد این کشور به تصویر کشیده است. پیش از ایشان، سوانی (Swaine, 1995) با بررسی رویکرد رهبران چین، به این نتیجه رسیده بود که مشوق‌های اقتصادی آمریکا و ایجاد اطمینان خاطر از حفظ محیطی امن در منطقه جنوب شرق آسیا برای چین، می‌تواند به گسترش روابط اقتصادی دو کشور بینجامد. اتفاقی که در گذر زمان نیز تا حدودی به اثبات رسید. در تکمیل همین پروژه فکری، سوانی و همکارانش (Sawaine, Mochizuki, Brown, Giarra, Paal, Odell, Lu,) Palmer, & Ren, 2013) با رویکردی آینده‌پژوهانه، ابعاد مختلف توانمندی چین در قبال اتحاد نظامی آمریکا-ژاپن را در دریای چین شرقی بررسی کرده و شش سناریو محتمل پیش روی این کشورها را برای سال ۲۰۳۰ مورد ارزیابی قرار داده است. پژوهش اخیر، علی‌رغم توجه مناسب به معادلات اقتصادی پیرامون هر سه کشور، اشاره چندانی به سایر فاکتورها و یا بازیگرانی که می‌توانند امنیت ملی چین را تحت‌الشعاع قرار دهد نداشته است.

همچون مورد اخیرالذکر، مطالعات بسیاری تنها حول یکی از مولفه‌های امنیت ملی چین صورت گرفته است. بعنوان مثال مقالات و کتب متعددی پیرامون افزایش روزافزون مصرف حامل‌های انرژی در چین و تهدیداتی که می‌تواند در دسترسی این کشور به منابع انرژی برون‌مرزی‌اش خللی ایجاد کند، تألیف شده است (Odgaard & Delman,)

که به‌واسطه آن دولت چین می‌تواند از امنیت انرژی خود اطمینان بیشتری کسب کند در کانون توجه تونشو (Tunsjø, 2014: 97-115) قرار گرفته است. وی با رویکردی آینده‌پژوهانه، ضمن اشاره به نیاز مبرم به نفت وارداتی برای تداوم رشد اقتصاد چین، اذعان دارد که دو عنصر نظام بانکی و سیاست حمایتی دولت چین از شرکت‌های ملی نفت^۱ می‌تواند ایشان را به بازیگران مهم بازار جهانی نفت تبدیل کرده و بدین طریق حاشیه امنی برای تمامیت اقتصادی این کشور پدید آورده است (Tunsjø, 2014: 109-111). از طرفی، هرریاس و ژویو (Herrerias & Joyeux, 2014: 170-186) با اشاره به تأثیر اصلاحات اقتصادی چین و افزایش نرخ مصرف انرژی در این کشور، بسط مقوله آزادسازی به تأمین‌کنندگان این کشور از طریق تکنولوژی‌های نوین را در راستای بهبود امنیت زیست‌محیطی چین می‌داند. مقوله امنیت زیست‌محیطی در این کشور به دلیل افزایش آلاینده‌های ناشی از صنعتی‌سازی به مرز نگران‌کننده‌ای رسیده است که از آن جمله می‌توان به آلودگی منابع آبی این کشور و تهدید جان صدها میلیون نفر از شهروندان این کشور اشاره کرد (Hu & Cheng, 2013).

یکی دیگر از حوزه‌های مهم تحقیق در رابطه با تبعات آزادسازی اقتصادی، پیامدهای سیاسی و نگرانی از برهم خوردن نظم و ثبات در چین است. نائوتون و یانگ (Naughton & Yang, 2004: 1-28) حفظ یکپارچی چین را با وجود ساختار کنترل‌گر سلسله‌مراتبی در دوره پسانائو مورد بررسی قرار داده‌اند. والدر نیز (Walder, 2009: 41-54) اعتراضات مردمی در سال‌های اخیر در چین را بررسی کرده و سطح تهدید آن را برای نظام سیاسی سنجیده است و یا ژائو (Zhao, 2008) با بهره‌گیری از مفهوم فضای عمومی هابرماس، ابعاد گوناگون و چالش‌های رسانه‌های جمعی چین را در دوران گذار اقتصادی این کشور مورد بررسی قرار داده است. البته مطالعات اخیر توجه چندانی به وجوه مختلف آزادسازی نداشته و کمتر به مولفه‌های اقتصادی موثر در این فرایندها پرداخته‌اند. شاید بتوان مطالعه مسووت ژانگ (Zhang, 2000) پیرامون پیامدهای سیاسی آزادسازی اقتصادی در چین را بعنوان یکی از مطالعات مفصل در این

حوزه قلمداد کرد. وی معتقد است که تحولات اقتصادی در این کشور به کم‌رنگ شدن ماهیت توتالیتری نظام چین انجامیده و توأمآ به از میان رفتن رادیکالیسم چپ و راست در عرصه این کشور کمک کرده است. با این وجود، ژانگ با غیررسمی خواندن الگوی لیبرالیزاسیون در چین معتقد است که این کشور همچنان فاصله زیادی تا شکل دادن به یک جامعه مدنی متناسب با رشد اقتصادی خود دارد. آنچه که به وضوح قابل رویت است، جایگاه رفیع نهاد دولت در چین حتی سال‌ها پس از آزادسازی اقتصادی در این کشور است که به باور پیرسلامی و فروتن، منتج از سنت فکری منحصر به فردی می‌باشد که در این سرزمین ریشه دوانیده است (پیرسلامی و فروتن، ۱۳۹۶).

اما یکی از مولفه‌های مهم امنیتی برای کشوری که بیش از یک ششم جمعیت جهان را در خود جای داده است، مقوله امنیت اقتصادی و به طور اخص، امنیت غذایی شهروندان کشوری است که بسیاری از ایشان همچنان سال‌های سخت قحطی را به یاد دارند. در همین رابطه، یوشی و همکارانش (Yushi, Nong & XiaoJing, 2013: 171-186) در بخشی از کتاب خود، پیشینه و چشم‌انداز امنیت غذایی در چین را مورد بررسی قرار داده و بر نتایج مثبت پیوستن به سازمان تجارت جهانی بر بهبود شاخص امنیت غذایی صحنه گذاشته‌اند. کارتر (Carter, 1999: 202-219) نیز با اشاره به شناسایی حق مالکیت خصوصی بر زمین‌های کشاورزی پیرو اصلاحاتی که از اواخر دهه ۷۰ در این کشور رخ داد، به افزایش چشمگیر آمار تولید غلات و ارتقای شاخص امنیت غذایی چین پرداخته است. با این همه، چگونگی پایدارسازی سطح تولیدات کشاورزی (Schwoob, 2018) و توجه به پیامدهای ناشی از جهانی شدن و راهکارهایی که می‌تواند تبعات منفی آن را به حداقل برساند (Zhengyi, 2004) دست‌مایه مطالعات مفصل‌تری در این حوزه بوده است.

به‌علاوه، ابعاد وسیع‌تری از نگرانی‌های امنیتی در رابطه با شکاف طبقاتی و توسعه نامتوازن مناطق مختلف کشور وجود دارد. یانگ (Yang, 1997) با بررسی سطح توسعه مناطق و رابطه بین نواحی مختلف در چین در سال‌های نخست آزادسازی به نقد سیاست‌های مائو در رابطه با عدم صنعتی‌سازی سواحل این کشور به دلیل بیم دست‌اندازی ارتش‌های بیگانه پرداخته و پروسه فرایند گذار به سمت مناطق ویژه اقتصادی و تاثیرات مثبت آن در توسعه چین را مورد ارزیابی قرار داده است. تائو و لیو

(Tao & Liu, 2007: 193-221) نیز به مقوله فقرزدایی از آغاز اصلاحات لیبرالی در این کشور پرداخته و با شناسایی شکاف درآمدی بین مناطق صنعتی جنوب شرقی با مناطق شمالی و غربی کشور، راهکارهای دولت چین برای کاهش اختلاف طبقاتی بین مناطق را مورد تدقیق قرار داده‌اند.

در مجموع شاید بتوان مطالعه مبسوط سوائینی (Sawaine, 2000) که در آن با رویکردی آینده‌پژوهانه به منظور نیل به تخمینی از جایگاه چین در نظام بین‌الملل، امنیت ملی چین را در گذر زمان کاویده و مسائل و چالش‌های آن را در ادوار مختلف مورد بررسی قرار داده است، از جهاتی یکی از نزدیک‌ترین مطالعات به این مقاله دانست. با این وجود، این اثر اگرچه ابعاد گسترده‌ای از امنیت ملی چین را مورد اشاره قرار داده و از لیبرالی‌اسیون در این کشور بعنوان نقطه عطفی در گذار این کشور یاد کرده است، اما رابطه بین مولفه‌های آزادسازی و امنیت ملی از دید وی مغفول مانده و تنها به چند اشاره کوتاه محدود شده است. با این همه وی بر ضرورت تداوم فرایند آزادسازی (تقریباً متناسب با اصول اجماع واشنگتن) برای آینده چین تأکید کرده است (Sawaine, 2000: 99). بر این اساس نوآوری این مقاله، شناسایی مولفه‌های امنیت ملی چین و بررسی تأثیر آزادسازی اقتصادی بر یکایک آنها و در نگاهی جامع‌تر، بررسی نسبت آزادسازی اقتصادی و پایداری امنیت ملی چین خواهد بود.

تبیین نظری رابطه آزادسازی اقتصادی و امنیت ملی

«انسان اقتصادی»^۱، مولفه اصلی مدل‌های مبتنی بر اقتصاد سیاسی است. این مدل نظری ساده‌سازی شده از فرد، وی را بعنوان موجودی عقلایی در نظر می‌گیرد که عواقب رفتار خودش را در شرایط معمول و قابل پیش‌بینی مورد محاسبه قرار داده و به دنبال به حداکثر رساندن نتایج مورد انتظار از اقدامات خویش است (Nurmi, 2006: 17-18). بر این اساس، نظریه «انتخاب عقلایی»^۲ که بر مبنای دو منطق «ساختار تصمیم»^۳ و «نظریه بازی»^۴

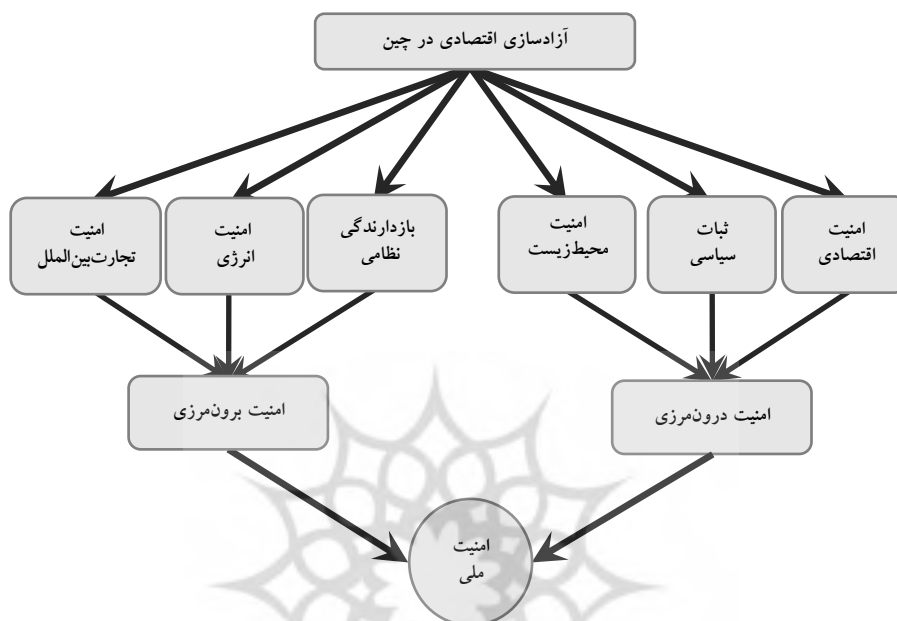
-
1. Homo Economicus
 2. Rational Choice Theory
 3. Structure of Decision
 4. Game-Theoretic

قوام یافته است بر تضمین‌های افزایش بهره‌وری افعال کنش‌گران دلالت دارد و «عقلانیت»^۱ را بعنوان عنصر ثابت و مقدم در انسان مفروض می‌دارد (Coleman & Fararo, 1992: 209). این نحوه تصمیم‌گیری منجر به دستیابی به اهداف تصمیم‌گیرنده می‌شوند (Nurmi, 2006: 22). با توجه به شکست اقتصاد کینز در اروپای غربی و ناکامی مارکسیسم در کشورهای سوسیالیستی، بسیاری از کشورهای جهان دستیابی به درآمد و ثروت بیشتر را در گرو اتخاذ رویکرد آزادسازی اقتصادی یافتند. در کشور چین با توجه به شکست مائویسم در بهبود شرایط اقتصادی، رهبران جدید این کشور به مثابه افرادی محاسبه‌گر و فایده‌گرا به ضرورت تصمیم‌گیری جدید در خصوص نحوه اداره کشور پی برده و در راستای دستیابی به سود بیشتر، اقتصاد چین را به نوعی در مسیر آزادسازی قرار دادند. در مدل زیر که توسط نگارندگان ترسیم شده رابطه همبستگی و نه لزوما علیت آزادسازی اقتصادی بر مولفه‌های امنیت ملی چین نشان داده شده است. در این مدل شش مولفه به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده‌اند. شاخص‌های شش‌گانه منتخب برای امنیت ملی در این مدل پس از یک دوره مطالعه اکتشافی در خصوص بایسته‌های امنیت ملی چین مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار شماره ۱. مدل‌سازی مفهومی رابطه آزادسازی اقتصادی و شاخص‌های امنیت ملی

در چین



لازم بذکر است با توجه به ماهیت ذهنی و نسبی امنیت و از آنجایی که شاخص‌گذاری منسجم و متحدالشکلی برای تشخیص میزان تحقق امنیت ملی کشورها وجود ندارد، در نتیجه نمی‌توان به سادگی اقدام به مفهوم‌پردازی و شاخص‌سازی برای مساله «امنیت ملی» کرد اما با توجه به آثار و نگاه نظریات متاخر درباره امنیت نظیر «رابرت ماندل» (۱۹۹۴) که امنیت نظامی، اقتصادی، منابع محیطی و سیاسی و فرهنگی را بعنوان شاخص‌های امنیت ملی در نظر می‌گیرد (ماندل، ۱۳۸۷) یا «بری بوزان» و دیگر نظریه‌پردازان در مکتب کپنهاگ که منابع تهدید امنیت ملی را شامل تهدید نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌دانند (Buzan, 1983: 75) در نتیجه می‌توان حیطه نظری برای پردازش مفهوم امنیت ملی قائل شد. البته این نظریه‌پردازان خود اذعان می‌کنند که به

1. Robert Mandel
2. Barry Buzan

دلیل تفاوت میان جوامع، مفهوم واحدی از امنیت ملی که دربرگیرنده تمامی ابعاد آن باشد، به سختی قابل نمایش است (Buzan, 1983: 43). از این منظر با استناد به وجوه اشتراک در شاخص‌های امنیت ملی و با تفکیک امنیت انرژی از امنیت محیطی، به دلیل اهمیت خاص آن برای چین و همچنین با تمیز دادن بین دو بُعد سرزمینی و فراسرزمینی برای امنیت اقتصادی، کوشش شده است تا برای درک بهتر امنیت اقتصادی و تجاری این کشور، ابعاد بیشتری از امنیت ملی مورد کنکاش قرار گیرد.

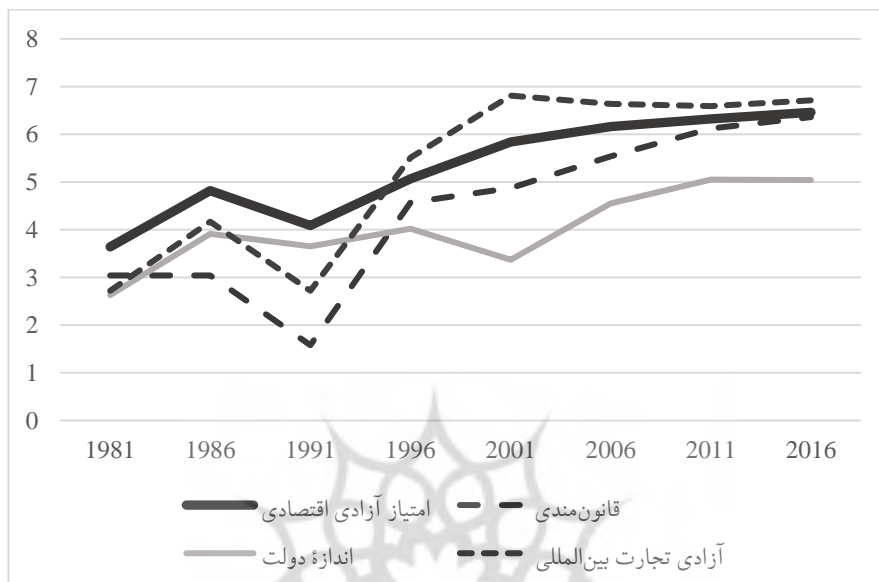
ماهیت توسعه اقتصادی چین

اگرچه نظام سیاسی جمهوری خلق چین ترکیبی از ایدئولوژی مارکسیستی و ملی‌گرایی هان^۱، تحت لوای حکومتی اقتدارگرا است اما بی‌تردید اصلاحات اقتصادی در جمهوری خلق چین از جنس آزادسازی بوده است. برای نشان دادن این مسئله کافی است ساختارهای اقتصادی این کشور را پیش و پس از اصلاحات با یکدیگر مقایسه کرد. متأسفانه دولت چین تا پیش از آغاز فرایند آزادسازی در این کشور، اطلاعات آماری بسیار ناچیزی را منتشر کرده است و امکان استناد آماری به شرایط آن دوران را ناممکن نموده است. اما بنا به داده‌های موجود از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، روند آزادسازی اقتصادی با سرعت بسیار بالا آغاز شد. هر چند این کشور به لحاظ شاخص آزادی اقتصادی که توسط دو موسسه «فرایزر»^۲ و «هریتیج»^۳ منتشر می‌شود و از متغیرهای متفاوتی برای امتیازدهی و رتبه‌بندی کشورها استفاده می‌کند، فاصله زیادی با اقتصادهای آزاد اروپای غربی و آمریکا دارد اما این کشور به‌طور ملموسی بر میزان آزادی اقتصادی و بیشتر مولفه‌های آن افزوده است. نمودار زیر پابندی این کشور به برخی از اصول ده-گانه «اجماع واشنگتن»^۴ را در راستای آزادسازی اقتصادی در چین نشان می‌دهد:

-
1. Han Nationalism
 2. Fraser Institute
 3. The Heritage Foundation
 4. Washington Consensus

نمودار شماره ۲. امتیاز دولت چین در برخی مولفه‌های فرایند آزادسازی اقتصادی (از

(۱۰)

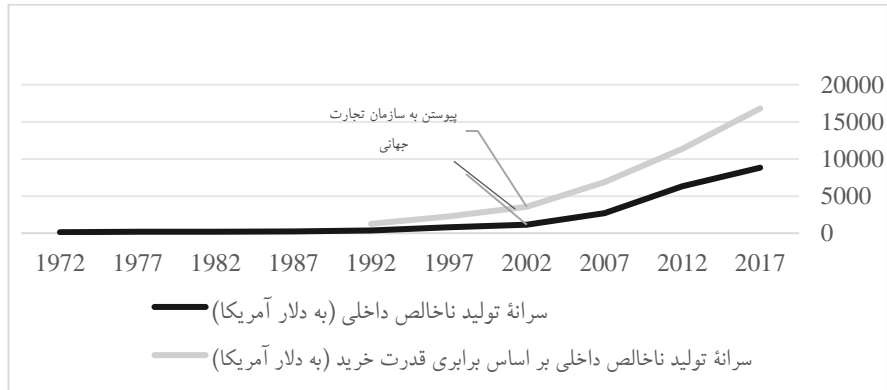


Source: Fraser Institute, Available in (20 Aug 2019). See Also: The Heritage Foundation. Note: The Component of Economic Freedom Score are Regulation, Size of Government, Freedom to Trade Internationally, Sound Money (With Positive Trend for China too) & Legal Systems and Property Rights (With Negative Trend for China).

دستاوردهای آزادسازی اقتصادی در چین

بر اساس شاخص‌های اقتصادی متداول، چین یکی از موفق‌ترین کشورها در زمینه توسعه اقتصادی بوده است. برای اثبات این مدعا می‌بایست دستاوردهای اقتصادی این کشور را از یک سو، با دوران پیش از اصلاحات سنجیده و از سوی دیگر، نتایج اقتصادی این کشور را با سایر کشورهای جهان در همین بازه زمانی مقایسه کرد. در نمودار زیر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی چین از دو دهه پیش از اصلاحات اقتصادی تا سال ۲۰۱۷ نمایش داده شده است که به وضوح مبین جهش اقتصادی این کشور بویژه پس از طی دوران گذار در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و در آستانه قرن بیست و یکم است.

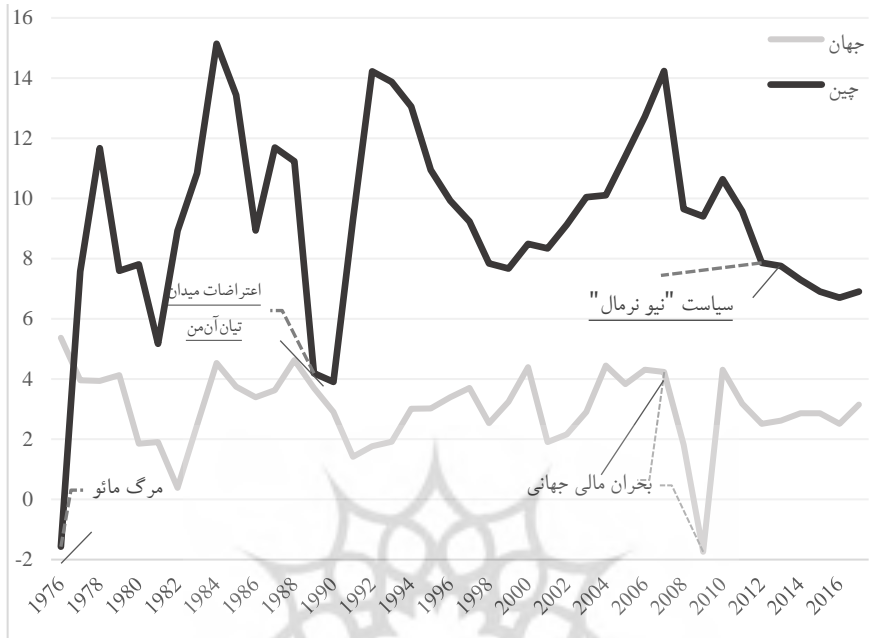
نمودار شماره ۳. سرانه تولید ناخالص داخلی (به دلار آمریکا)



Source: World Bank Public Data, Available in (9 Sept 2018).

در خصوص موفقیت اقتصادی این کشور در قیاس با سایر کشورهای جهان، نمودار زیر درصد رشد تولید ناخالص داخلی چین را نسبت به میانگین جهانی نشان می‌دهد که مبین حفظ پیوسته نرخ رشد مثبت و بیشتر از متوسط جهانی است. بعلاوه در تعیین شاخص میانگین جهانی اقتصاد، چین به دلیل جمعیت یک میلیارد و چهارصد میلیون نفری آن بسیار تأثیر گذار بوده و علی‌رغم آنکه امروزه تنها ۱۵ درصد از سهم حجم اقتصاد جهان را از آن خود دارد، تأثیر به مراتب بیشتری در تعیین میزان رشد اقتصادی جهان ایفا می‌کند.

نمودار شماره ۴. نرخ رشد تولید سرانه داخلی (به درصد)



Source: World Bank Public Data, Available in (10 Sept 2018).

تنها از سال ۲۰۱۲ به این سو، به منظور پیش‌بینی‌پذیر کردن آینده این کشور از طریق اجرای سیاست‌های «متعارف‌سازی جدید»^۱، رهبران چین نرخ رشد این کشور را در حدود ۷ درصد تثبیت کردند که این امر مستلزم پایدارسازی برخی متغیرهای آزادسازی اقتصادی به منظور دستیابی به توسعه پایدار بوده است (Zhang & Chen, 2017: 2).

روند اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در جمهوری خلق چین

از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، اصلاح‌طلبان چینی به رهبری دنګ شیائوپینگ به ناکارآمدی سیستم اقتصادی عصر مائو اذعان کرده و خواهان تغییرات اساسی در شیوه تولید، عرضه و چگونگی نظارت بر سازوکار نظام اقتصادی چین شدند (Wedeman, 2003: 28). در این راستا دنګ و بسیاری از رهبران حزب کمونیست چین ضمن مشاهده

پیشرفت اقتصادی جوامع غربی، الگوهای اقتصادی مختلفی را مورد مطالعه قرار دادند (Vogel, 2011: 217-218). بر همین مبنا، دنگ در اواخر سال ۱۹۷۸ و در خلال سومین اجلاس یازدهمین کنگره عمومی حزب، بر لزوم «چهار نوسازی»^۱، که عبارت از نوسازی صنعت، کشاورزی، دفاع ملی و علوم و تکنولوژی بود مجدداً تأکید کرد (وانگ، ۱۳۸۲: ۱۸۷ و Goodman, 1994: 81-82).

در خلال همین کنگره، سیاست «درهای باز»^۲، ضمن اعلام موضع جدید حزب در قالب تئوری «سوسیالیسم با مشخصه‌های چینی»^۳ در دستور کار دولت مردان چینی قرار گرفت. در این راستا ضمن پذیرش تعدیلاتی در قوانین حقوق مالکیت، کار و سیستم قیمت-گذاری (کوز و وانگ، ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۰۰ و ۱۲۲-۱۲۰)، دولت چین فرایند آزادسازی اقتصادی را از طریق تعیین مناطق ویژه اقتصادی آغاز و به مرور، شهرها و استان‌های بیشتری را مشمول مزایای این طرح کرد (Yuan, 2017: 24-32).

در این چارچوب از یک طرف بنگاه‌های دولتی چین همچنان باقی ماندند و از طرف دیگر، تولید خارج از برنامه دولتی برای کسب سود و منافع اقتصادی آغاز شد (کوز و وانگ، ۱۳۹۶: ۱۳۱). بدین ترتیب از دهه ۱۹۸۰ انگیزه‌های بازاری در بخش کشاورزی و صنعت و سپس سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی موجب شد تا چین در مسیر رشد شتابان اقتصادی قرار گیرد (عجم‌اوغلو و رایسنسون، ۱۳۹۲: ۵۰۷). به موازات همین تلاش‌ها، رهبران چین توانستند پس از ۱۵ سال مذاکره، در اواخر سال ۲۰۰۱ میلادی به عضویت «سازمان تجارت جهانی»^۴ درآیند و ضمن آنکه سیاست‌های اقتصادی خود را با قوانین بین‌المللی همساز کردند، بتدریج به گشایش در بازارهای خود مبادرت ورزیدند. پیمودن این دو مسیر برای حکومتی که تا پیش از این نه بر مبنای «حاکمیت قانون»^۵ که بر اساس «حاکمیت اشخاص»^۶ اداره می‌شد و بعنوان کشوری سوسیالیستی، سال‌ها با نظام بازار آزاد به ستیز پرداخته بود، کار

-
1. Four Modernization
 2. Opening-up
 3. Socialism with Chinese Characteristics
 4. WTO
 5. Rule of Law
 6. Rule of Men

بسیار سختی بود که نهایتاً از طریق سیاست‌های «پاکسازی»^۱ مفسدان اقتصادی و آزادسازی هر چه بیشتر به سرانجام رسید (Yongtu, 2002: 26-27). در نتیجه سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، رشد واقعی ناخالص ملی چین در سال ۲۰۰۶ در مقایسه با سال ۱۹۸۷ که دنگ کشور را در مسیر اصلاحات اقتصادی قرار داده بود، سیزده برابر رشد کرد و این کشور را در مقام دومین اقتصاد بزرگ جهان پس از ایالات متحده آمریکا قرار داد (علمایی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۳۷). از زمان به قدرت رسیدن نخبگان نسل پنجم نیز هر روز بر تعداد و گستره طبقه متوسط افزوده شده و این روند همچنان ادامه دارد (Barton, Chen, & Jin, 2013: 1).

شاخص‌های امنیت ملی چین

همان‌طور که در مقدمه این مقاله نیز اشاره شد پس از شناسایی تهدیدات متوجه امنیت ملی چین، مولفه‌های امنیت ملی این کشور در تناظر با تهدیدات و نقاط آسیب‌پذیر امنیت این کشور قرار داده شد و بر این اساس، شش شاخص اصلی امنیت ملی چین مورد ارزیابی قرار گرفت. از آنجا که در خصوص تعریف برخی از این مولفه‌ها توافق جامعی وجود نداشت، متناسب با ماهیت هر شاخص، تعریف متناسبی با آن ارائه شده است.

الف - امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی^۲ یا همان امنیت مالی^۳، وضعیتی است که به واسطه ثبات منابع درآمدها، امکان تداوم داشتن سطح استانداردی از زندگی را در حال و دست کم آینده نزدیک فراهم می‌کند (Business Dictionary: Economic Security, 2018). بر این اساس، امنیت اقتصادی به مثابه مولفه‌ای از «امنیت انسانی»^۴، در پیوند با شاخص‌هایی نظیر امنیت غذایی، امنیت کسب و کار و امنیت شغلی معنا می‌یابد. بنابه این تعریف، نیل به سطوح بالاتر درآمدهی متضمن دسترسی به استانداردهای بهتر زندگی برای شهروندان خواهد بود.

-
1. Clean-up
 2. Economic Security
 3. Financial Security
 4. Human Security

اگرچه پافشاری بر رشد سریع اقتصادی از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی پس از یک دوره تورمی، رکود شدیدی را در چین موجب شد و به یکی از دلایل عمده اعتراضات خونین میدان تیان آن من تبدیل شد اما با عبور از این بحران امنیتی، این کشور بار دیگر ثبات اقتصادی خود را بازیافت و توانست روند رو به رشد خود را به طور پیوسته ادامه دهد که در نتیجه آن درآمد سرانه شهروندان چینی روز به روز افزایش یافته، نرخ بیکاری مهار شده و دسترسی به مواد غذایی به مراتب آسان تر شده است (Kobayashi, S., Baobo, J., & Sano, J., 1999: 1). این در حالی است که در خلال سیاست «جهش بزرگ رو به جلو»، حد فاصل سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۲، به دلیل ساختار اقتصادی منحصر به فرد این جمهوری در عصر مائو، قحطی جان بیش از چهل و پنج میلیون نفر را در این کشور گرفته بود (Dikötter, 2010: 12).

با این همه، امنیت اقتصادی این کشور با پاره‌ای از چالش‌ها روبه‌رو بوده است. سیاست توسعه نامتوازن در این کشور با تقدم سواحل شرقی در قیاس با دشت‌های غربی موجب شکاف گسترده اقتصادی بین این دو بخش از کشور شد (Wan, 2008: 11). از طرفی توسعه شهری به مراتب بیش از رشد مناطق روستایی بوده و اختلاف درآمدی بین ساکنان شهر و روستا روز به روز افزایش یافت (Wan, 2008: 30). به علاوه ضریب جینی در این کشور پس از آزادسازی روند رو به رشدی را طی کرده که باعث گسست بیشتر طبقات مرفه از اقشار فرودست جامعه چین شد (Chen, J., Dai, D., Pu, M., Hou, W., & Feng, Q., 2010: 24-25).

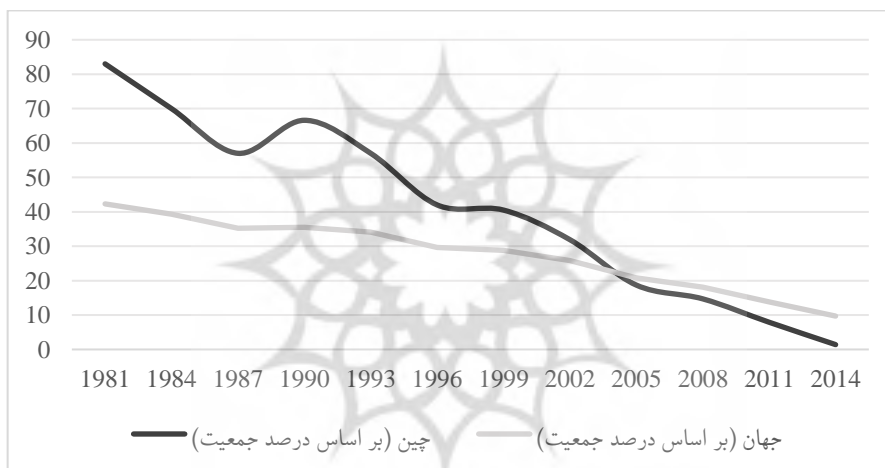
از طرفی «مصرف گرایی پیش از موعد» و افزایش سطح توقعات، سبب شده است که نخبگان چین بویژه روشنفکران کم درآمد، به گروهی از افراد توانمند اما بسیار ناشکیبا و ناراضی تبدیل شوند. انفجار انرژی سرکوب شده آنها می‌تواند روند رشد نهادهای جدید را کاملاً مختل و دولت را به اضمحلال بکشاند (وانگ، ۱۳۸۲: ۲۵۷).

در خصوص تهدیدات متوجه امنیت اقتصادی این کشور نباید راه اغراق در پیش گرفت. اگرچه امواج آزادسازی اقتصادی نخست به سواحل چین رسید، اما به مرور بخش‌های

-
1. Great Leap Forward
 2. Premature Consumerism

بیشتری از این کشور را درنور دیده است. به‌علاوه ضریب جینی برای جامعه‌ای که تا چند دهه پیش، اکثریت قریب به اتفاق آن در سطح برابری از فقر به سر می‌بردند را نمی‌توان نشانه ناکارآمدی سیستم اقتصادی آن جامعه دانست. از زمان آزادسازی اقتصادی در چین، افزون بر رشد بی‌نظیر درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی، به‌طور چشمگیری از جمعیت فقیر چین حتی در مناطق روستایی آن کاسته شده است (Wu, 2016: 1). در نمودار زیر روند نزولی شاخص نرخ فقر در چین نمایش داده شده است:

مودار شماره ۵. میزان فقر متناسب با درآمد کمتر از ۱.۹ دلار در روز (بر اساس برابری قدرت خرید)



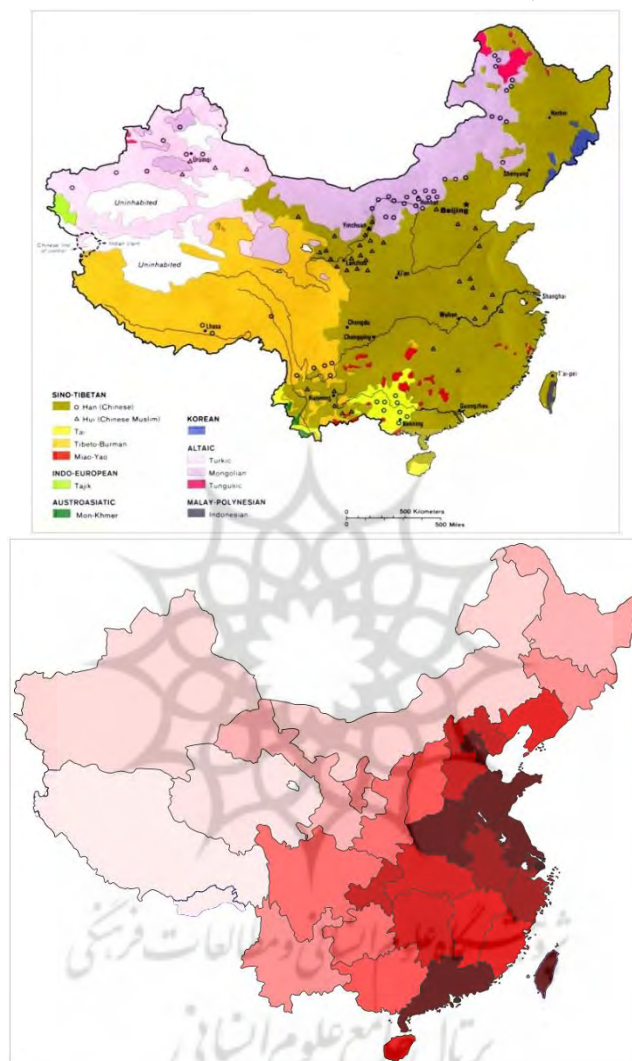
Sources: from 1981 to 1990: (Dollar, 2008); from 1990 to 2014: World Bank Public Data, Available in (12 Sept 2018).

ب - ثبات سیاسی

مقصود از امنیت یا ثبات سیاسی، مواجهه با آن دسته از تهدیداتی است که یکپارچگی سرزمینی، نظام سیاسی، همبستگی اجتماعی و حیات انسانی را در چین مورد هدف قرار داده است. برای درک بهتر جایگاه امنیت سیاسی چین لازم است تا مروری بر امنیت شهروندان این کشور در دوران مائو داشته باشیم. افزون بر تلفات چند ده میلیون نفری در دوران قحطی بزرگ، نظام تحت امر مائو از طریق اجرای سیاست‌های پاکسازی؛ میلیون‌ها نفر اعم از مخالفان سیاسی، سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ را به کام مرگ کشید

(Rummel, 2017: 219-266). هر چند در مرحله نخست آزادسازی اقتصادی در این کشور و پس از یک دوره تورمی، اقتصاد این کشور وارد رکود شد و به اعتراضات سیاسی علیه نظام دیکتاتوری چین دامن زد و حکومت تنها پس از قتل عام دست کم ده هزار نفر از دانشجویان و سایر اقشار جامعه توانست بقای خود و ثبات سیاسی را به کشور بازگرداند (Lusher, 2017: 1)، اما چه به لحاظ آمار کشته‌شدگان و چه به لحاظ دفعات توسل به خشونت برای حفظ ثبات سیاسی، دوران آزادسازی کمترین قرابتی با عصر مائو نداشته است. از منظری دیگر به واسطه انتخابات محلی در چین، بازتوزیع درآمد و خدمات به سمت اقشار فرودست جوامع روستایی سرعت یافته (Martinez-Bravo, M., Padró i Miquel, G., Qian, N., & Yao, Y., 2012: 1-2) که همین مسئله منجر به کاهش خطر شورش‌های گروه‌های فقیرتر در این نواحی شده است. در خصوص مطالبات جدایی‌خواهانه در چین با استناد به آمارهای پراکندگی جمعیتی، توزیع ثروت و تمایزات قومی و مذهبی، اکثر اقلیت‌های قومی علی‌رغم آنکه جمعیت آنها کمتر از ده درصد کشور را تشکیل می‌دهد، در بیش از نیمی از خاک این کشور با تمرکز در نواحی غربی سکنی گزیده‌اند (National Bureau of Statistics of China, 2017: 1). به علاوه به دلیل آغاز فرایند آزادسازی اقتصادی از سواحل شرقی کشور، توسعه مناطق مرکزی و غربی با تأخیر آغاز شده و همین امر باعث اختلاف فاحش در سطح زندگی در شرق با سایر اقلیت‌های قومی در غرب کشور شده است (Clarke, 2013: 121). نقشه‌های زیر تصویر بهتری از مختصات چین در این خصوص ارائه می‌کند.

نقشه شماره ۱. تراکم جمعیتی چین | نقشه شماره ۲: گروه‌های قومی - زبانی چین



Source: United States Central Intelligence Agency (CIA), Available in (16 Sept 2018).

در مواجهه با این معضلات، ثروت روزافزون چین این امکان را برای رهبران این کشور فراهم آورده است تا ضمن پذیرش تلویحی این واقعیت که مارکسیسم در چین به شکست انجامیده (Li, 2015: 4-6)، به مرور از فضای خفقان‌آور عصر مائو ولو به آهستگی فاصله بگیرند (McCormick, 1990: 191). در خصوص فعالیت‌های تجزیه-

طلبانه، رهبران این کشور از یک سو به طور جدی به دنبال توسعه اقتصادی نواحی داخلی کشور بوده و از سوی دیگر با برقراری روابط دوستانه با دو قطب سیاسی روسیه (از طریق سازمان همکاری شانگهای^۱) و آمریکا (به واسطه افزایش روزافزون حجم مبادلات تجاری)، از نقش تحریک آمیز این دو کشور در معادلات قومیتی و مطالبات تجزیه طلبانه در چین در قیاس با گذشته کاسته شده است (Clarke, 2013: 125-133).

در مجموع علی رغم آنکه شاخص پولیتی^۲ در رابطه با چین، گواه از تداوم نظام اتوکراتیک^۳ در این کشور داشته و روند دموکراتیزاسیون^۴ در این کشور بسیار کند طی می شود (China's Authority Trends 1946-2017, 2019)، اجرای ساز و کارهای بازار آزاد در اقتصاد چین به طور خودکار آزادی عمل بیشتری به مردم در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی اعطا کرده است. پیامدهای این موضوع را می توان در شمار در حال افزایش سازمان های غیردولتی و غیرانتفاعی نظیر اتحادیه های کارگری و «فدراسیون همه زنان چین»^۵ دید (اوربو، ۱۳۹۴: ۳۳۶-۳۳۵).

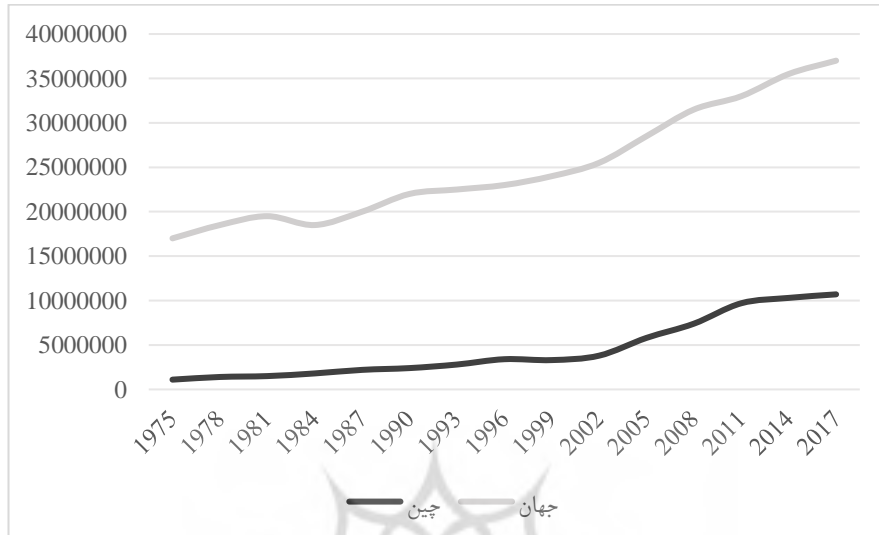
پ - امنیت اقلیمی و محیط زیست

آزادسازی اقتصادی تأثیر مستقیم بر شرایط زیست محیطی و اقلیمی چین داشته است. به واسطه پویایی اقتصادی بخش صنعتی این کشور و نیاز روزافزون به حامل های انرژی، آلودگی هوا از طریق انتشار انواع گازهای گلخانه ای به شدت افزایش یافته است. نمودار زیر سهم رو به افزایش این کشور در میزان آلاینده های جو زمین را نشان می دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
1. Shanghai Cooperation Organization
 2. Polity IV Project
 3. Autocracy
 4. Democratization
 5. All-China Woman's Federation

نمودار شماره ۶. سهم دولت چین از میزان انتشار گاز دی‌اکسید کربن (به کیلو تُن)



Sources: China (1975-2014): The Global Economy; World Data (1975-2014): EDGAR.JRC; World Data & China 2017 (Hausfather, 2017).

بدین ترتیب چین به بزرگترین تولیدکننده دی‌اکسید کربن جهان تبدیل شده است (EDGAR v.4.3.2, 2016: 5). بر اساس داده‌های جدول زیر می‌توان دریافت که از بهینه‌سازی در مصرف حامل‌های انرژی در این کشور غفلت شده است؛ چرا که برای تحصیل مقدار معینی از تولید ناخالص داخلی، آلودگی هم‌تراز با کشورهای کمتر توسعه‌یافته جهان وارد جو زمین می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

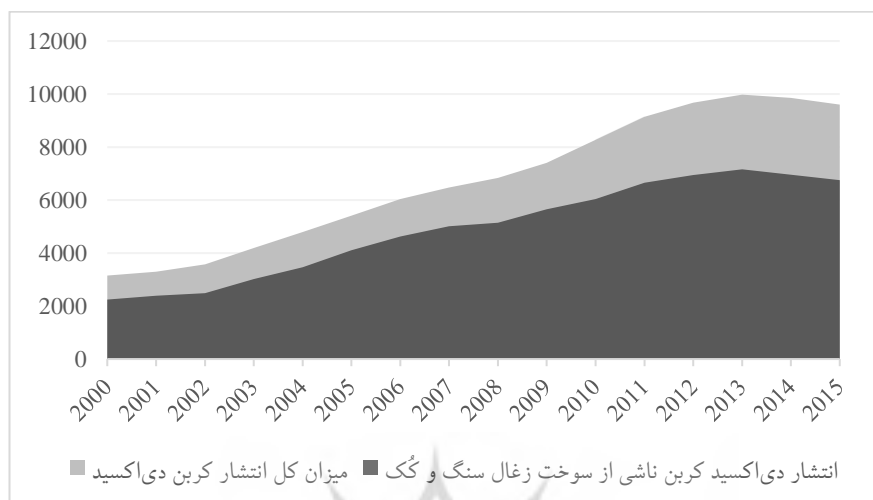
جدول شماره ۱. بهینه‌سازی مصرف انرژی بر طبق میزان انتشار گاز دی‌اکسید کربن

کشور/منطقه	انتشار گاز دی‌اکسید کربن در سال ۲۰۱۵ (بر حسب کیلو تن)*	انتشار گاز دی‌اکسید کربن (بر حسب کیلوگرم) به ازای هزار دلار از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۴**
جهان	۳۶.۰۶۱.۷۱۰	۴۹۰.۸
چین	۱۰.۶۴۱.۷۸۹	۱۲۳۴
ایالات متحده آمریکا	۵.۱۷۲.۳۳۶	۳۲۴.۲
اتحادیه اروپا	۳.۴۶۹.۶۷۱	۱۸۴.۷
هند	۲.۴۵۴.۹۶۸	۱۰۵۱.۵
روسیه	۱.۷۶۰.۸۹۵	۹۹۹.۴
ژاپن	۱.۲۵۲.۸۹۰	۲۰۵.۲

Sources: *CO2 Time Series 1990-2015 per Region/Country, Netherlands Environmental Assessment Agency. Available in 2018-09-12, **CO2 Emissions (kg per 2010 US\$ of GDP), World Bank. Available in 2018-09-12.

یکی از عوامل تولید این حجم از آلودگی، بهره‌برداری بیش از اندازه از معادن زغال سنگ این کشور است. به گونه‌ای که این کشور را با اختلاف بسیار زیادی در صدر کشورهای مصرف‌کننده زغال سنگ قرار داده است (Chen & Xu, 2010: 2123). با توجه به نمودار زیر اگرچه در گذر زمان از میزان استفاده از این ماده سوختی کاسته شده است اما به دلیل رشد اقتصادی بالا و نیاز مبرم به سوخت، این کشور به‌طور چشمگیری به میزان مصرف زغال سنگ خود برای تداوم حیات صنایع مادر و حتی برای مصارف خانگی افزوده است (Shan, Y., Guan, D., Zheng, H., Ou, J., Li, Y., Meng, J., Mi, Z., Liu, Z., & Zhang, Q., 2018: 8).

نمودار شماره ۷. منشأ انتشار گاز دی‌اکسید کربن در چین



Source: (Shan, Y., Guan, D., Zheng, H., Ou, J., Li, Y., Meng, J., Mi, Z., Liu, Z., & Zhang, Q., 2018: 8)

بر اساس داده‌های آماری فوق، این کشور به‌طور ملموسی در آستانه مواجهه با یک بحران محیط زیستی قرار دارد. بر اساس گزارش نشریه فوربس^۱، میزان مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در این کشور چیزی بیش از ۱۵۰۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۶ بوده است (McCarthy, 2018: 1) که این رقم نسبت به ده سال گذشته بیش از دو برابر افزایش داشته است.

مشکلات محیط زیستی این کشور تنها به آلودگی هوا ختم نمی‌شود. پس از آغاز فرایند آزادسازی اقتصادی در این کشور، رودخانه‌های این کشور به محل دفع فاضلاب‌های صنعتی تبدیل شده است که نه تنها منجر به آلودگی این آب‌راه‌ها شده بلکه سفره‌های زیرزمینی را نیز به شدت آلوده کرده است. از طرفی مصرف آب در چین به قدری بالاست که حتی برخی از رودخانه‌ها به دریا نمی‌ریزند و این موضوع در برخی از سال‌های اخیر حتی درباره رودخانه زرد نیز رخ داده است و از سطح آب بسیاری از رودخانه‌های چین به شدت کاسته شده است (اورپو، ۱۳۹۴: ۲۱۳).

با این همه، رهبران این کشور به دنبال راه‌هایی برای کاهش آلودگی آب، خاک و هوای این کشور هستند. در این راستا رهبران پکن بحران کم‌آبی را جدی گرفته و در سال ۲۰۰۶ دسترسی به آب پاکیزه را بعنوان یک اولویت ملی تعیین کردند، چرا که تظاهرات و اعتراضات ناشی از نگرانی از آلودگی محیط زیست روز به روز بیشتر می‌شد (مردیت، ۱۳۹۳: ۳۱۲). این شرایط سبب شده مقام‌های چینی طرح‌های مهم مهار آب را به اجرا بگذارند که از آن جمله می‌توان به سدهای «سه‌گانه جورجس»^۱ یا طرح انتقال آب رودخانه یانگ‌تسه^۲ در مسافت چند هزار کیلومتری و رساندن آن به منطقه پکن اشاره کرد (اورپو، ۱۳۹۴: ۲۱۴).

تلاش‌های ملموسی نیز برای کاهش مصرف سوخت‌های آلاینده از طریق افزایش استفاده از انرژی هسته‌ای و بهره‌برداری جدی‌تر از منابع انرژی تجدیدپذیر صورت گرفته است. به علاوه طرح ساخت خودروهای الکتریکی در این کشور با جدیت در حال پیگیری است (The Economist, 2018). بدین ترتیب این کشور توانسته است بیشترین نرخ رشد توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را به نام خود ثبت کند (IEA, 2017). با این همه، همچنان مشکلات زیست‌محیطی چین یکی از اصلی‌ترین منابع تهدید امنیت ملی و توسعه پایدار این کشور است.

ت - بازدارندگی نظامی

امنیت نظامی عبارت است از توان دفاعی یک کشور در مقابله با تهدیدات نظامی خارجی. بر این اساس، امنیت نظامی فراتر از امنیت دفاعی، اهرم‌های نظامی بازدارندگی را نیز در برمی‌گیرد (Collins, 2015: 185-199). در خصوص جمهوری خلق چین، درک مختصات امنیت نظامی این کشور مستلزم آگاهی از تغییر رویکرد رهبران حزب کمونیست نسبت به مواضع این کشور در عصر مائو است. منطق بنیادین در اندیشه مائو پیرامون مسئله قدرت، گزاره معروف او "قدرت سیاسی از لوله تفنگ خارج می‌شود" (Tse-Tung, 1975 b: 224) و اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ‌های انقلابی در جوامع

1. Three Gorges
2. Yangtze River

طبقاتی (Tse-Tung, 1975a: 344) بود. همین رویکرد شاکله سیاست‌های امنیتی این کشور را در عصر وی تشکیل می‌داد. در این برهه، جمهوری خلق چین بارها با همسایگان خود وارد مناقشات مرزی شد و در این اثنا مائو دستیابی به بمب اتم را در راستای نمایش اقتدار ملی و شکستن انحصار دشمنان چین در زمینه مالکیت بمب اتم در اهداف خود گنجانده (Lewis & Xue, 1988: 35-36).

با آغاز فرایند آزادسازی در این کشور، گفتمان سابق کنار گذاشته شد و رهبران جدید این کشور مفاهیم جدیدی را نظیر «توسعه صلح‌آمیز (خیزش صلح‌آمیز)»^۱ وارد ادبیات اقتصادی - امنیتی این کشور کرده و سعی در جلب اعتماد و همکاری جهانی در راستای منافع ملی خود را داشتند (Wang, 2010: 556).

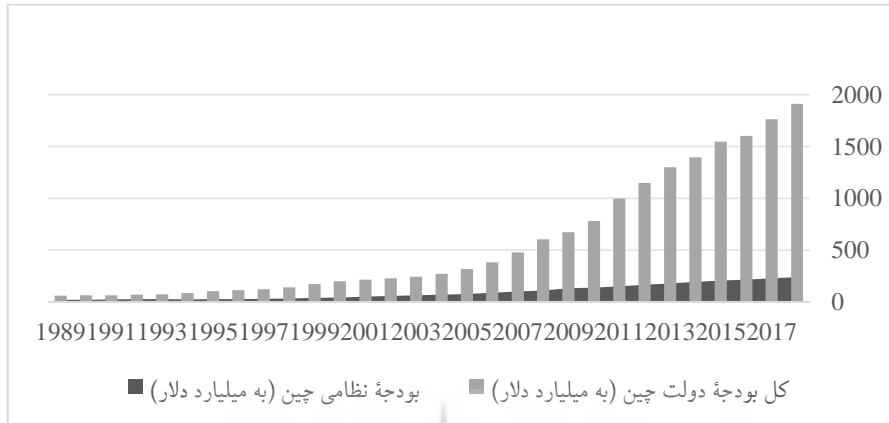
آزادسازی اقتصادی تأثیرات مثبتی را در توان دفاعی و نفوذ جهانی جمهوری خلق چین ایجاد کرد. در آغاز، علی‌رغم کاهش سهم بودجه نظامی این کشور از تولید ناخالص ملی، بهره‌وری در نهادهای نظامی و امنیتی از طریق تمرکز بر ارتقای تکنولوژیکی ارتش رشد یافت. در ادامه با افزایش درآمد ملی این کشور و تثبیت محدوده مشخصی از بودجه کشور برای امور نظامی و دفاعی^۲، سالانه بر میزان سرمایه‌گذاری در این بخش افزوده شده و این کشور را در رده دوم قدرت نظامی جهان به لحاظ حجم سرمایه‌گذاری قرار داد (IISS, 2017: 19). نمودار زیر میزان سالانه بودجه نظامی کشور را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Peaceful Development/Peaceful Rise

۲. چیزی کمتر از دو درصد بودجه سالانه چین به امور نظامی تخصیص داده می‌شود.

نمودار شماره ۸. سهم بودجه نظامی چین از کل هزینه‌های دولت



Sources: China Military Expenditure, Trading Economics; China Government Spending, The Global Economy, Available in (20 Aug 2019).

علی‌رغم نسبت ثابت سهم بودجه نظامی از کل بودجه کشور، با توجه به رشد پیوسته تولید ناخالص داخلی این کشور به‌طور میانگین، سالانه بالغ بر ۸ درصد بر میزان سرمایه‌گذاری این کشور در امور نظامی افزوده می‌شود که از این جهت با فاصله بسیار از سایر کشورهای جهان در مقام نخست قرار داد. جدول زیر درک بهتری از جایگاه نظامی چین را در ذهن تداعی می‌کند.

جدول شماره ۲. بالاترین بودجه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۱۷

کشور	بودجه نظامی در سال ۲۰۱۷ (به میلیارد دلار)	درصد تغییرات (۲۰۱۷ - ۲۰۰۸)
ایالات متحده آمریکا	۶۱۰	-۱۴
چین	*۲۲۸	۱۱۰
عربستان سعودی	*۶۹.۴	۳۴
روسیه	۶۶.۳	۳۶
هند	۶۳.۹	۴۵
جهان	۱۷۳۹	۹.۸

Source: (Tian, N., Fleurant, A., Kuimova, A., Wezeman, P. D., & Wezeman, S. T., 2018: 2); Note: * SIPRI Estimate

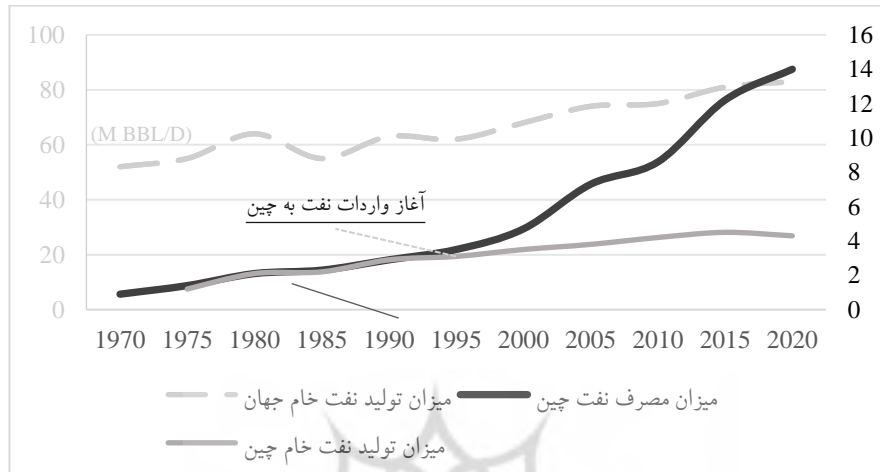
افزون بر این، کشوری که تا پیش از این از داشتن کمترین متحد نظامی در عرصه جهانی رنج می‌برد، پس از آزادسازی اقتصادی و تغییر مشی سیاست خارجه این کشور، به تأسیس «سازمان همکاری شانگهای»^۱ با محوریت مبارزه علیه جدایی‌طلبی، تروریسم و بنیادگرایی مذهبی همت گمارد و ثبات و امنیت لازم برای توسعه بیشتر را بویژه در مرزهای غربی این کشور پدید آورده است (Yuan, 2010: 856 & Bailes & Dunay, 2007: 2-3).

ث - امنیت انرژی

آزادسازی اقتصادی در جمهوری خلق چین، حجم بالایی از سرمایه‌گذاری را در بخش - های صنعتی این کشور به همراه داشت. این امر موجب نیاز روزافزون این کشور به حامل‌های انرژی شد و این کشور را به بزرگترین واردکننده نفت خام جهان تبدیل کرد. بدین جهت تأمین انرژی برای این کشور به مسئله‌ای در حوزه امنیت ملی ارتقا یافت. نمودار زیر میزان تولید نفت جهان را در مقایسه با تولید و مصرف آن در چین در نیم قرن گذشته نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

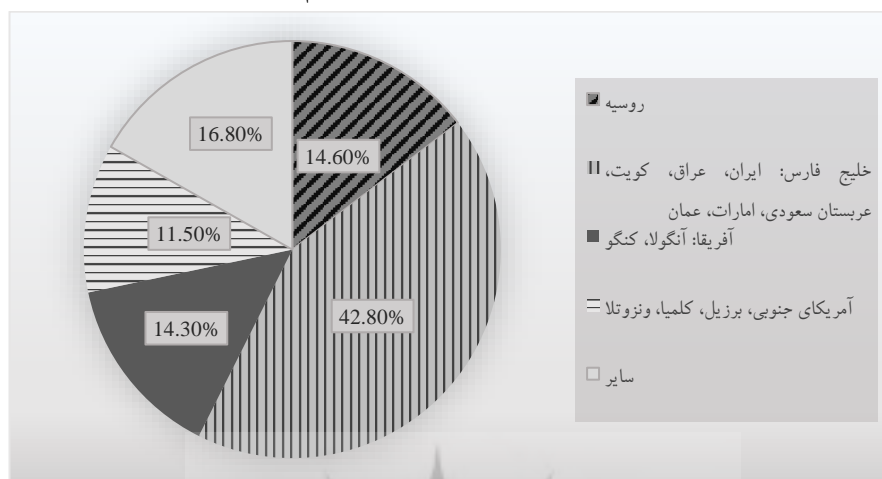
نمودار شماره ۹. میزان تولید جهانی نفت در قیاس با میزان تولید و مصرف نفت در چین (به میلیون بشکه در روز)



Sources: World Crude Oil Production & China Oil Consumption, The Modern Financial Data Research Platform (YCHARTS), Available in (7 Sept 2018). China Crude Oil Production, Trading Economics, Available in (8 Sept 2018).

همان‌طور که از این نمودار برمی‌آید، دولت چین برای تداوم توسعه اقتصادی این کشور از اواسط دهه ۱۹۹۰ ناگزیر از واردات نفت خام شده است و تا به امروز این روند به صورت فزاینده‌ای ادامه داشته است. به گونه‌ای که چین با واردات بیش از ۸ میلیون بشکه در روز به بزرگترین واردکننده نفت خام جهان تبدیل شده است (Paraskova, 2018: 1). در نتیجه، حیات این کشور بیش از پیش به دستیابی به بازارهای نفتی جهان گره خورده است. در این خصوص دولت چین علی‌رغم وابستگی شدید به نفت منطقه خلیج فارس، بیش از نیمی از نفت وارداتی خود را از اقصا نقاط جهان خریداری می‌نماید. نمودار زیر نسبت بازار نفتی چین را در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱۰. اصلی‌ترین صادرکنندگان نفت خام به چین در سال ۲۰۱۷



Source: (Workman, 2018: 1)

بر این مبنا حفظ ثبات و امنیت در کشورهای صادرکننده نفت خام ارتباط تنگاتنگی با ثبات در اقتصاد چین دارد. بعبارتی دیگر در صورت اختلال در تولید و عرضه نفت خام در جهان، چین به دلیل حجم بالای واردات و محدودیت ذخایر نفتی‌اش، بیش از سایر رقبای اقتصادی خود متحمل زیان خواهد شد.

در این راستا دولت چین ضمن امن‌سازی راه‌های دریایی منتهی به این کشور، اقدامات دیگری را نیز در راستای تأمین انرژی مورد نیاز خود در دستور کار قرار داده است. از جمله این اقدامات بهره‌برداری بیشتر از ذخایر نفتی غرب کشور، گسترش حوزه نفوذ خود در دریای چین برای بهره‌برداری از «نفت و گاز شیل»^۱ نهفته در زیر بستر دریا در آینده نزدیک (Odgaard & Delman, 2014: 114)، کاهش وابستگی به تنگه مالاکا از طریق احداث خطوط لوله انتقال نفت و گاز در خاک میانمار به منظور پمپاژ مستقیم نفت از خلیج بنگال به سرزمین اصلی چین (Shaofeng, 2010: 17) و همچنین سرمایه‌گذاری جدی در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر که هم به بهبود شرایط زیست‌محیطی در این کشور می‌انجامد و هم از وابستگی چینی‌ها به نفت خواهد کاست.

در مجموع با آزادسازی اقتصادی در چین و رونق روزافزون آن، تأمین انرژی نیز جنبه امنیتی بیشتری یافته است. با این همه، روابط دیپلماتیک گسترده در کنار اقتصاد شکوفا شده چین، این کشور را به مشتری مورد احترامی در بازار جهانی نفت تبدیل کرده است. در نتیجه، فروش هر چه بیشتر نفت به چینی‌ها افزون بر ایجاد امکان دسترسی بیشتر به محصولات ساخت این کشور به دولت‌ها نوید داشتن هم‌پیمانی قدرتمند در شورای امنیت سازمان ملل را می‌دهد.

ج - امنیت تجارت بین‌المللی

آزادسازی اقتصادی در چین زمینه تجارت گسترده این کشور را با اقصی نقاط جهان فراهم کرد. بدین ترتیب واردات مواد اولیه، نفت و مشتقات آن از یک سو و صادرات محصولات تولیدی این کشور از سوی دیگر به شریان حیاتی جمهوری خلق چین مبدل شد. در نتیجه، صیانت از امنیت راه‌های مواصلاتی و جریان پیوسته و با ثبات کالا در این مسیرها به یکی از شاخص‌های امنیت ملی این کشور ارتقا یافت. بر این مبنا مقصود از امنیت تجاری، تضمین امنیت بازرگانی و مقابله با تهدیداتی است که مبادلات این کشور را مختل می‌کند.

برای درک بهتر اهمیت امنیت تجاری برای چین، آگاهی از حجم و نسبت مبادلات چین با اصلی‌ترین شرکای اقتصادی این کشور حائز اهمیت است.

جدول شماره ۳. میزان صادرات و واردات کالای چین در سال ۲۰۱۷

واردات (به میلیارد دلار)				صادرات (به میلیارد دلار)	شرکای تجاری	نمودار شماره ۱۱: سهم کشورهای عمده واردکننده											
۱۵۴				۴۳۰	ایالات متحده آمریکا	محصولات ساخت چین در سال ۲۰۱۷											
۷				۲۷۹	هنگ کنگ	<table border="1"> <thead> <tr> <th>ایالات</th> <th>ویتنام</th> <th>کره جنوبی</th> <th>ژاپن</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>متحده</td> <td colspan="3" rowspan="4">سایر ۲۰۸ شریک تجاری</td> </tr> <tr> <td>آمریکا</td> </tr> <tr> <td>هنگ کنگ</td> </tr> <tr> <td></td> </tr> </tbody> </table>	ایالات	ویتنام	کره جنوبی	ژاپن	متحده	سایر ۲۰۸ شریک تجاری			آمریکا	هنگ کنگ	
ایالات	ویتنام	کره جنوبی	ژاپن														
متحده	سایر ۲۰۸ شریک تجاری																
آمریکا																	
هنگ کنگ																	
۱۶۵				۱۳۷	ژاپن												
۱۷۷				۱۰۲	کره جنوبی												
۵۰				۷۱	ویتنام												
۹۷				۷۱	آلمان												
۱۶				۶۸	هند												

Source: World Integrated Trade Solution (WITS), Available in (21 Aug 2019).

بر این اساس چین توانسته است از طریق آزادسازی اقتصادی، کشورهایی را که در دوره مائو دست کم دوست چین نبودند را به شرکای تجاری خود تبدیل کرده و با تأسیس بیش از ۲۵۰ سفارتخانه و کنسولگری در سراسر جهان، گسترده‌ترین روابط سیاسی را پس از آمریکا داشته باشد (Lowy Institute Global Diplomacy Index, 2017). با این همه، آزادسازی اقتصادی در چین پیچیدگی‌های امنیتی خاصی را متوجه ساز و کار تجاری این کشور نموده است. بازرگانی خارجی و کسب درآمد ارزی برای چین، این کشور را هر چه بیشتر به خطوط مواصلات دریایی از طریق اقیانوس هند وابسته ساخته و این کشور را مجاب به داشتن یک ناوگان تجاری عظیم کرده است (امیدوارنیا، ۱۳۷۰: ۱۶۶-۱۶۷). در نتیجه برای صیانت از کاروان‌های دریایی، تأسیس و استقرار ناوگان نظامی متناسبی برای چین ضروری می‌نماید. در این راستا این کشور همگام با رشد ثروت خود به تجهیز و توانمندسازی نیروی دریایی مبادرت ورزید (O'Rourke, 2018: 2) و امروزه یکی از قوی‌ترین ناوگان‌های جهان را چه به لحاظ کمیّت و چه به لحاظ قدرت آتش در اختیار دارد (Globalfirepower, 2018: 1). افزون بر این، این کشور پروژه‌های پیاپی ساخت و بهره‌برداری از ناوهای هواپیمابر خود را به منظور تأمین نیازهای امنیتی این کشور در آب‌های دور از ساحل با جدیت دنبال می‌کند (Kassim, 2017: 82). از طرفی رشد اقتصادی چین، رقبای اصلی این کشور به‌ویژه ایالات متحده را به واگم انداخته است. به همین جهت این کشور یک بار دیگر پس از جنگ ویتنام متوجه شرق آسیا شده و به دنبال محاصره چین و اشراف به مسیرهای آبی این کشور را دارد تا در

صورت زیاده‌خواهی رهبران چین در معادلات جهانی، اهرم قدرت بالقوه خود را بالفعل نماید.

در چنین شرایطی چالش چین، بهبود موقعیت ژئواستراتژیکش در منطقه، بدون تهدید آشکار منافع آمریکا و متحدانش در شرق آسیا است و در مقابل، آمریکا می‌کوشد موقعیت خود را در شرق آسیا حفظ کرده و مادامی که چین خود را از رویارویی با آمریکا بر حذر می‌دارد، روابط اقتصادی را با این کشور گسترش دهد (Campbell, 2012: 20). با این همه، ایالات متحده مصمم به محدود کردن چین است و چین با توجه به توان رو به گسترش نظامی خود در مقابل این اقدام آمریکا مقاومت خواهد کرد (مردیت، ۱۳۹۳: ۲۹۹).

به موازات تقویت چین در عرصه دریایی، این کشور با احیای «راه ابریشم»^۱، دالان اقتصادی «چین- بنگلادش- میانمار- هند»^۲ و «دالان اقتصادی چین-پاکستان»^۳، بر آن است تا از وابستگی خود به «تنگه مالاکا»^۴ که بیشترین حجم حمل و نقل دریایی چین را به دوش می‌کشد، بکاهد (Joshi, 2016: 2-5). بعلاوه این کشور با افزایش پیوندهای اقتصادی خود با رقبای سیاسی‌اش، خود را در رابطه وابستگی متقابل با ایشان قرار داده و بدین ترتیب تنها حق انتخاب بین دو گزینه «برد-برد» و «باخت-باخت» را به روی ایشان گشوده است.

در مجموع، آزادسازی اقتصادی در چین مقوله امنیت تجاری را بعنوان یکی از شاخص‌های مهم امنیت ملی، وارد معادلات سیاسی و نظامی این کشور کرده و با گسترش روزافزون حجم مبادلات تجاری‌اش، اهمیت این موضوع بیش از پیش هویدا می‌شود. با این همه با توجه به کارنامه چهار دهه گذشته دولت چین در این زمینه و با علم به رابطه وابستگی متقابل بین جامعه جهانی و چین، این کشور در تأمین امنیت تجاری خود کاملاً موفق بوده و اقدامات لازم جهت حفظ ثبات و آزادی تجارت را به نحو احسن به موقع اجرا گذاشته است.

-
1. Silk Road
 2. BCIM
 3. CPEC
 4. Strait of Malacca

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل روندها در این پژوهش، دولت چین در عصر پساامانو با وجود حفظ باورهای ایدئولوژیک اما منبعث از درک جدیدی از امنیت، این کشور را در مسیر آزادسازی اقتصادی هدایت کرده است. این پژوهش نشان داد که روند آزادسازی اقتصادی در دولت چین صرفنظر از چگونگی اجرا و پیاده‌سازی آن، امروزه دستاوردهای متمایز اما ممتازی را برای امنیت ملی چین به همراه داشته است. بدین واسطه امنیت نظامی این کشور به‌طور کاملاً مشهودی تقویت شده است؛ به‌گونه‌ای که توان بازدارندگی نظامی این کشور به مدد افزایش چشمگیر بودجه نظامی آن به شدت ارتقا یافته است. امنیت اقتصادی این کشور نیز دست‌خوش تحولات مثبت بوده و به کاهش تهدیدات اقتصادی منتهی شده است. رشد کم‌نظیر سرانه تولید ناخالص داخلی به کاهش ملموس جمعیت اقشار فرودست جامعه چین انجامیده و شرایط انسانی تری برای زیست شهروندان این کشور پدید آورده است. از طرفی نیروی دریایی قدرتمند این کشور و روابط دیپلماتیک گسترده با جامعه جهانی، امنیت تجاری رضایت‌بخشی را به همراه داشته است. ثبات سیاسی نیز علی‌رغم تداوم نظام دیکتاتوری و فعالیت‌های برخی گروه‌های جدایی‌طلب، نسبت به دوران پیش از آزادسازی اقتصادی رشد قابل توجهی داشته است اما در خصوص امنیت زیست‌محیطی؛ به‌گواه آمار و ارقام، محیط زیست این کشور به شدت آسیب دیده است. هرچند به نظر ضریب تأثیر امنیت زیست‌محیطی نسبت به سایر شاخص‌های امنیتی کمتر است، اما تداوم آزادسازی اقتصادی بدون بازنگری اساسی در سیاست‌های زیست‌محیطی چین، به تخریب بیشتر محیط زیست که تهدید جان میلیون‌ها شهروند چینی را در پی خواهد داشت انجامید. در این مورد رهبران چین در چند سال اخیر تلاش قابل توجهی را در زمینه کاهش سطح آلاینده‌گی و ممانعت از تخریب زیست‌بوم اتخاذ کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به هموندی این کشور در «توافق پاریس» اشاره کرد.

در خصوص شاخص امنیت انرژی نیز، وابستگی روزافزون به واردات حامل‌های انرژی رفته‌رفته به نقطه ضعف بزرگ امنیت ملی این کشور تبدیل شده که البته به نظر می‌رسد

این تهدید در قالب راهبرد «کمربند و راه» تدابیر هوشمندانه‌ای برای آن اندیشیده شده است. افزون بر این تاکید دولت چین بر بسط انرژی‌های پاک، ضمن کاهش وابستگی به واردات، به بهبود شرایط زیست‌محیطی نیز خواهد انجامید. در نهایت از آنجا که این مقاله به بررسی تجربه پیامدهای امنیتی دولت چین در روند آزادسازی اقتصادی پرداخته بود، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای برای تخمین پیامدهای امنیتی آزادسازی اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته جهان مورد استناد قرار گیرد؛ اگرچه نباید از نظر دور داشت که آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت بیشتر تبیین نحوه همبستگی میان شاخص‌های مد نظر در چین و نه لزوماً تاکید بر مکانیسم علیتی آزادسازی اقتصادی به هر نحو ممکن برای بهبود شاخص‌های امنیت ملی بوده است.



منابع

الف) فارسی

- امیدوارنیا، محمدجواد، (۱۳۷۰)، *سیر تحول در اندیشه نظامی و سیاست تسلیحاتی چین*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- اوریو، پائولو، (۱۳۹۴)، *الگوی چینی توسعه: چالش توسعه پرشتاب و هماهنگ‌سازی دوباره دولت و جامعه*، ترجمه سعید میرترابی و اسماعیل ربیعی ملاطی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و فروتن، فاطمه، (۱۳۹۶)، «واکوی زمینه‌های فکری تکوین و تداوم دولت اقتدارگرا در چین»، دولت پژوهی، دوره سوم، شماره ۱۰، ۱۸۵-۲۱۹.
- عجم‌اوغلو، دارون و رابینسون، جیمز، (۱۳۹۲)، *چرا کشورها شکست می‌خورند: سرچشمه - های قدرت، فقر و غنای کشورها*، ترجمه پویا جبل‌عاملی و محمدرضا فرهادی پور، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- علمایی‌فر، ابوالفضل، (۱۳۹۴)، *مدرنیته و تجربه در چین*، تهران: موسسه ابرار معاصر.
- کوز، رونالد هری و وانگ، نینگ، (۱۳۹۶)، *چین چگونه سرمایه‌داری شد*، ترجمه سید پیمان اسدی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- ماندل، رابرت، (۱۳۸۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مردیت، روبین، (۱۳۹۳)، *فیل و اژدها: تحولات دو غول اقتصادی چین و هند*، ترجمه غلام-حسین خانقایی، تهران: فرا.
- وانگ، فی لینگ، (۱۳۸۲)، *نهادها و تغییرات نهادی در چین*، ترجمه محمدجواد ایروانی، تهران: رسا.

ب) انگلیسی

- Bailes, A. J. K., Dunay, P., (2007), *The Shanghai Cooperation Organization as a Regional security Institution*, In Bailes, A. J. K. (Ed.), *The Shanghai Cooperation Organization* (pp.1-29). Stockholm, Sweden: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI).
- Barton, D., Chen, Y., & Jin, A., (2013), "Mapping China's Middle Class", *McKinsey Quarterly*. Retrieved from <https://www.mckinsey.com/industries/retail/our-insights/mapping-chinas-middle-class>.
- Breslin, S., (2007), *China and the Global Political Economy*, New York, US: Palgrave Macmillan

- Business Dictionary, (2018), "Economic Security", *Business Dictionary, Web Finance, Inc.* Retrieved from <http://www.businessdictionary.com/definition/economic-security.html>.
- Buzan, B, (1983), *People, States and Fear: The National Security Problem in International Relations*, Sussex, UK: Wheatsheaf Books LTD.
- Campbell, J. R., (2012), "US Foreign Policy towards Northeast Asia", *Perceptions: Journal of International Affairs*; Vol. XVII, No. 4, 3-26.
- Carter, C, (1999), Institutional Reform and Agricultural Productivity Growth in China. In Findlay, C., & Watson, A. (Eds.) *Food Security and Economic Reform The Challenges Facing China's Grain Marketing System* (pp. 202-219). Hampshire, UK: Macmillan Press LTD.
- Chen, J., Dai, D., Pu, M., Hou, W., & Feng, Q, (2010), "The Trend of the Gini Coefficient of China", *Brooks World Poverty Institute Working Paper*, No. 109, 1-32.
- Chen, W., & Xu, R, (2010), "Clean Coal Technology Development in China", *Energy Policy*, Vol. 38, Issue 5, 2123-2130.
- China Statistical Yearbook, (2017), "Geographic Distribution and Population of Ethnic Minority", *National Bureau of Statistics of China*. Retrieved from <http://www.stats.gov.cn/tjsj/ndsj/2017/indexeh.htm>.
- Clarke, M, (2013), "Ethnic Separatism in the People's Republic of China: History, Causes and Contemporary Challenges", *European Journal of East Asian Studies (EJEAS)*, Vol. 12, 109-133.
- Coleman, J. S., & Fararo, T. J, (1992), *Rational Choice Theory: Advocacy and Critique*, California, US: Sage Publication.
- Collins, A, (2015), *Contemporary Security Studies*, Oxford, UK: Oxford University Press.
- Dikötter, F, (2010), *Mao's Great Famine: The History of China's Most Devastating Catastrophe, 1958-62*, New York, US: Walker & Co.
- Dollar, D, (2008), "New Global Poverty Estimates Confirm China's Leading Role in Meeting MDGs", *East Asia & Pacific on the Rise. The World Bank*. Retrieved from <http://blogs.worldbank.org/eastasiapacific/new-global-poverty-estimates-confirm-china-s-leading-role-in-meeting-mdgs>.
- Economist, (2018), "China is Rapidly Developing Its Clean-Energy Technology", *The Economist*, Retrieved from <https://www.economist.com/special-report/2018/03/15/china-is-rapidly-developing-its-clean-energy-technology>.
- EDGARv.4.3.2, (2016), Trends in Global CO₂ Emissions (2016 Report), *EDGARv.4.3.2. EDGAR- Emissions Database for Global Atmospheric Research*, Netherlands Environmental Assessment Agency. Joint Research Centre; European Commission.
- Fraser Institute, (2019), "China's Data", *FraserInstitute*, Retrieved from <https://www.fraserinstitute.org/economic-freedom/graph?geozone=world&year=2015&countries=CHN&page=graph>.
- Global Economy, (2018), "China: Government Spending, Percent of GDP", *The Global Economy*, Retrieved from https://www.theglobaleconomy.com/China/Government_size.
- Global Fire Power, (2018), "Total Naval Strength by Country", *Global Fire Power TM*, Retrieved from <https://www.globalfirepower.com/navy-ships.asp>,

- Goodman, D. S. G, (1994), *Deng Xiaoping and the Chinese Revolution: A Political Biography*, London, UK: Routledge.
- Hausfather, Z, (2017), “Analysis: Global Co₂ Emissions Set to Rise 2% in 2017 after Three-Year ‘Plateau’”, *Carbon Brief – Clear on Climate*. Retrieved from [https:// www. carbonbrief. org/ analysis- global-co2-emissions-set-to-rise-2-percent-in-2017-following-three-year-plateau](https://www.carbonbrief.org/analysis-global-co2-emissions-set-to-rise-2-percent-in-2017-following-three-year-plateau).
- Heritage, (2018), “The Heritage Foundation”, *Heritage*, Retrieved from [https:// www. heritage. org/index/visualize?cnts=china&type=1](https://www.heritage.org/index/visualize?cnts=china&type=1).
- Herrerias, M. J., & Joyeux, R, (2014), “Regional Electricity Consumption and Economic Growth in China”, In Yao, S., & Herrerias, M. J. (Eds.), *Energy Security and Sustainable Economic Growth in China* (pp. 170-186). Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.
- Hu, Y., & Cheng, H, (2013), “Water Pollution during China’s Industrial Transition”, *Environmental Development*, Vol. 8, 57-73.
- IEA, (2018), “Renewables 2017”, *International Energy Agency*. Retrieved from <https://www.iea.org/publications/renewables2017>.
- IISS, (2017), “The Military Balance 2017”, *International Institute for Strategic Studies (IISS)*, Retrieved from <http://www.iiss.org>.
- Joshi, P, (2016), “The China Silk Road in South & Southeast Asia: Enter Counter Geopolitics”, *IndraStra Global*, No. 03, 2007.
- Kassim, Y. R, (2017), *The South China Sea Disputes: Flashpoints, Turning Points and Trajectories*, Singapore, Singapore: World Scientific Publishing.
- Kobayashi, S., Baobo, J., & Sano, J, (1999), “The Three Reforms in China: Progress and Outlook”, *Japan Research Institute*, No. 45. Retrieved from [https:// www. jri. co. jp/ english/ periodical/ rim/1999/RIMe199904threereforms](https://www.jri.co.jp/english/periodical/rim/1999/RIMe199904threereforms).
- Lai, H, (2006), *Reform and the Non-State Economy in China: The Political Economy of Liberalization Strategies*, New York, US: Palgrave Macmillan.
- Leung, G. C. K., Li, R., & Low, M, (2013), “Transitions in China’s Oil Economy”, 1990–2010, *Eurasian Geography and Economics*, Vol. 52, No. 4, 483-500.
- Lewis, J. W., & Xue, L, (1988), *China Builds the Bomb*, California, US: Stanford University Press.
- Li, H, (2015), *Political Thought and China’s Transformation: Idea Shaping Reform in post-Mao China*, New York, US: Palgrave Macmillan.
- LowyInstitute, (2018), “Global Diplomacy Index (2017 Country Ranking)”, *LowyInstitute*, Retrieved from https://globaldiplomacyindex.lowyinstitute.org/country_rank.html.
- Lusher, A, (2017), “At Least 10,000 People Died in Tiananmen Square Massacre”, Secret British Cable from the Time Alleged, *The Independent*. Retrieved from [https:// www. independent. co. uk/ news/world/asia/tiananmen-square-massacre-death-toll-secret-cable-british-ambassador-1989-alan-donald-a8126461.html](https://www.independent.co.uk/news/world/asia/tiananmen-square-massacre-death-toll-secret-cable-british-ambassador-1989-alan-donald-a8126461.html).
- Mandel, R, (1994), *The Changing Face of National Security: A Conceptual Analysis*, Westport, US: Greenwood Press.
- Martinez-Bravo, M., Padró i Miquel, G., Qian, N., & Yao, Y, (2012), “The Effects of Democratization on Public Goods and Redistribution: Evidence from China”, *CEPR Discussion Paper*; No. DP8975, 1-53.

- McCarthy, N, (2018), "Air Pollution Contributed to More Than 6 Million Deaths in 2016", *Forbes Media LLC*, Retrieved from <https://www.forbes.com/sites/niallmccarthy/2018/04/18/air-pollution-contributed-to-more-than-6-million-deaths-in-2016-infographic/#6305ad4e13b4>.
- McCormick, B. L, (1990), *Political Reform in Post-Mao China: Democracy and Bureaucracy in a Leninist State*. Berkeley, US: University of California Press.
- Naughton, B. J., & Yang, D. L, (2004), "Holding China together: Introduction, In Naughton, B. J., & Yang", D. L. (Eds.), *Holding China Together: Diversity and National Integration in the Post-Deng Era* (pp. 1-28), Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Nurmi, H, (2006), *Models of Political Economy*, Oxford, UK: Routledge.
- O'Rourke, R, (2018), "China Naval Modernization: Implication for U.S. Navy Capability – Background and Issue for Congress", *Congressional Research Service (CRS)*, RL33153, 1-121.
- Odgaard, O., & Delman, J, (2014), "China's Energy Security and Its Challenges towards 2035", *Energy Policy*, No. 71, 107-117.
- Palan, R, (2000), *Global Political Economy: Contemporary Theories*, London, UK: Routledge.
- Paraskova, T, (2018), "China's Becomes World's Next Top Oil Importer", *Oil Price: The No. 1 Source for Oil & Energy News*, Retrieved from <http://www.oilprice.com/Energy/Crude-Oil/Chinas-Becomes-Worlds-Next-Top-Oil-Importer.html>.
- Polity IV, (2019), "China's Authority Trends 1946-2017", *Center for Systemic Peace*, Retrieved from <https://www.systemicpeace.org>.
- Rummel, R. J, (2017), *China's Bloody Century: Genocide and Mass Murder Since 1900*, New York, US: Routledge.
- Sawaine, M. D., Mochizuki, M. M., Brown, M. L., Giarra, P. S., Paal, D. H., Odell, R. E., Lu, R., Palmer, O., & Ren, X, (2013), *China's Military & The U.S.-Japan Alliance in 2030: A Strategic Net Assessment*, Washington, US: Carnegie Endowment for International Peace.
- Schwoob, M. (2018). *Food Security and the Modernisation Pathway in China: Towards Sustainable Agriculture*. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Shan, Y., Guan, D., Zheng, H., Ou, J., Li, Y., Meng, J., Mi, Z., Liu, Z., & Zhang, Q, (2018), "China CO2 Emission Accounts 1997-2015", *Scientific Data*, Nature Publishing Group, 1-14.
- Shaofeng, C, (2010), "China's Self-Extrication from the Malacca Dilemma and Its Impact on ASEAN", *International Journal of China Studies*, Vol. 1, No. 1, 1-24.
- Swaine, M. D, (1995), *China Domestic Change and Foreign Policy*, Santa Monica, US: RAND.
- Swaine, M. D., Tellis, A. J, (2000), *Interpreting China's Grand Strategy: Past, Present, and Future*, Santa Monica, US: RAND.
- Tao, R., & Liu, M, (2007), "Poverty Reduction, Decentralization", and Local Governance in China, In Yang, D. L. (Ed.), *DISCONTENTED MIRACLE: Growth, Conflict, and Institutional Adaptations in China* (pp. 193-221), Singapore, Singapore: World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
- The Global Economy, (2019), "China: Carbon Dioxide (CO2) Emissions", *The Global Economy*, Retrieved from

https://www.theglobaleconomy.com/China/Carbon_dioxide_emissions.

- Tian, N., Fleurant, A., Kuimova, A., Wezeman, P. D., & Wezeman, S. T. (2018), "Trend in World Military Expenditure, 2017", *SIPRI Fact Sheet*, Stockholm International Peace Research Institute, 1-8.
- Trading Economics, (2018), "China Crude Oil Production", *Trading Economics*, Retrieved from <http://www.tradingeconomics.com>.
- Trading Economics, (2019), "China Military Expenditure", *Trading Economics*, Retrieved from <http://www.tradingeconomics.com>.
- Tse-Tung, M. (1975a), *Selected Works of Mao Tse-Tung (Volume I)*, Oxford, UK: Pergamon Press.
- Tse-Tung, M. (1975b), *Selected Works of Mao Tse-Tung (Volume II)*, Oxford, UK: Pergamon Press.
- Tunsjø, Ø. (2002), "China's Energy Security", In Moe, E., & Midford, P. (Eds.) *The Political Economy of Renewable Energy and Energy Security: Common Challenges and National Responses in Japan, China and Northern Europe* (pp. 97-115). Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.
- Vogel, E. F. (2011), *Deng Xiaoping and the Transformation of China*, London, UK: Belknap Press.
- Walder, A. G. (2009), China's Protest Wave: Political Threat or Growing Pains, In Yang, D. L., & Zhao, L. (Eds.), *China's Reforms at 30: Challenges and Prospects* (pp. 41-54), Singapore, Singapore: World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
- Wan, G. (2008), *Understanding Inequality and Poverty in China: Methods and Applications*, New York, US: Palgrave MacMillan.
- Wang, Y. (2010), "China's Response to the Unipolar World: The Strategic Logic of Peaceful Development", *Journal of Asian and African Studies*, Vol. 45, 554-567.
- Wedeman, A. H. (2003), *From Mao to Market: Rent Seeking, Local Protectionism, and Marketization in China*, New York, US: Cambridge University Press.
- Weingast, B. R., & Wittman, D. A. (2006), *The Oxford Handbook of Political Economy*, Oxford, UK: Oxford University Press.
- WITS, (2019), "World Integrated Trade Solution (WITS)", *The World Bank*, Retrieved from <https://wits.worldbank.org>.
- Workman, Daniel, (2018), "Top 15 Crude Oil Suppliers to China", *World's Top Experts*. Retrieved from <http://www.worldstopexports.com/top-15-crude-oil-suppliers-to-china>.
- World Bank, (2019), "Poverty Headcount Ratio at \$1.90 a Day (2011 PPP)(% of Population)- China", *World Bank Open Data*. Retrieved from <https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.DDAY?locations=CN>.
- Wu, G. (2016), "Ending Poverty in China: What Explains Great Poverty Reduction and a Simultaneous Increase in Inequality in Rural Areas?", *East Asia & Pacific on the Rise, The World Bank*, Retrieved from <http://blogs.worldbank.org/eastasiapacific/ending-poverty-in-china-what-explains-great-poverty-reduction-and-a-simultaneous-increase-in-inequality-in-rural-areas>.
- Yang, D. L. (1997), *Beyond Beijing: Liberalization and the Regions in China.*, London, UK: Routledge.
- Yang, D. L. (2004), *Remarking the Chinese Leviathan: Market Transition and the Politics of Governance in China*, California, US: Stanford University Press.
- YCHARTS, (2018), "World Crude Oil Production & China Oil Consumption, The Modern Financial Data Research Platform (YCHARTS)", *YChart*.

- Retrieved from [https:// ycharts. com/ indicators/ world_crude_oil_production/](https://ycharts.com/indicators/world_crude_oil_production/) & https:// ycharts. com/ indicators/ china_oil_consumption_tonnes.
- Yongtu, L, (2002), "Negotiating Entry: Key Lessons Learned, In Magariños, C. A., Yongtu, L., & Sercovich, F. C. (Eds.)", *China in the WTO* (pp. 25-35), New York, US: Palgrave Macmillan.
- Yuan, J, (2010), "China's Role in Establishing and Building the Shanghai Cooperation Organization (SCO)", *Journal of Contemporary China*, Vol. 19, No. 67, 855-869.
- Yuan, Y, (2017), *Studies on China's Special Economic Zones*, Singapore, Singapore: Springer Nature.
- Yushi, M., Nong, Z., & Xiaojing, Y, (2013), *Food Security and Farm Land Protection in China (Vol. 2)*. Singapore, Singapore: World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
- Zhang, J., & Chen, J, (2017), "Introduction to China's New Normal Economy", *Journal of Chinese Economic and Business Studies*, Vol. 15, No. 1, 1-4.
- Zhang, W, (2000), *Transforming China: Economic Reform and its Political Implications*, Hampshire, UK: Macmillan Press LTD.
- Zhao, Y, (2008), *Communication in China: Political Economy, Power, and Conflict*, Maryland, US: ROWMAN & Littlefield Publishers INC.
- Zhengyi, W, (2004), "Conceptualizing Economic Security and Governance: China Confronts Globalization", *The Pacific Review*, Vol. 17, No. 4, 52۶*۶

استناد به این مقاله: رحیمی زنوز، فرزین، شریعتی، شهروز. (۱۴۰۰). نسبت‌سنجی آزادسازی اقتصادی و پایدارسازی امنیت در دولت چین. دولت پژوهی، ۷(۲۸)، ۵۲۶-۵۲۷. doi: 10.22054/tssq.2022.45793.750



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی